



Est.1994

# JCL

Journal of the College of Languages  
An Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279  
E-ISSN: 2520-3517  
2024, No.(49)  
PP.157-180

## A study of the phonetic changes of Arabic loanwords in Balochi

<sup>1</sup>Masoud Parvin, Ph.D. Candidate, <sup>2</sup>Javad Asghari,  
<sup>3</sup>Musa Mahmoudzahi,

<sup>1</sup>University of Tehran, Department of Translation Studies, Tehran, Iran

<sup>2</sup>University of Tehran, Department of Arabic Language and Literature, Tehran, Iran

<sup>3</sup>Velayat University, Department of Persian Language and Literature, Iran

Corresponding author: [Massoud.Parvin@ut.ac.ir](mailto:Massoud.Parvin@ut.ac.ir)

*(Received on 11/7/2023 - Accepted on 20/8/2023 - Published on 2/1/2024)*

DOI: <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2024.0.49.0157>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

### Abstract

Languages, like humans, need communication and interaction to prosper. One of the ways for a language to flourish is to borrow words from other languages. The southern regions of Iran and the coastal countries of Persian Gulf have had strong cultural relations since old times, with language being a dimension of these relations.

With their land being geographically located in the realm of Islamic civilization and being Muslims, Baloch people have had strong connections with the Arab world and the Arabic language. Thus, many Arabic words have made their ways into Balochi language either directly or indirectly through Persian language. Since each language has its own unique sound structure, these loanwords have undergone phonetic changes after entering the Balochi.

This article is an attempt to study the phonetic changes of Arabic loanwords in Balochi in a descriptive-analytical manner. This study has a "diachronic" and "historical" approach. The phonetic changes of different types can be found in these loanwords, among them "substitution", "metathesis", "elision", and "epenthesis". The focus of this study is mainly on "substitution". The results indicate that the loanwords in Balochi language, especially those with "substitution" in them, have

more diversity compared to Arabic loanwords in Persian. This article will showcase unique types of “substitution” in Arabic loanwords found in Balochi language.

**Key words:** linguistics, phonetic changes, loanwords, Arabic language, Balochi Language

## بررسی تغییرات آوایی وام واژه های عربی در زبان بلوچی

### چکیده

زبان به مانند انسان برای ارتقا و غنای خود به ارتباط و تعامل نیاز دارد، چنان که یکی از راههای بالندگی و غنای یک زبان، وامگیری از دیگر زبانها است. مناطق جنوبی ایران با کشورهای ساحلی جنوب خلیج فارس، از دیرباز روابط فرهنگی پررنگی داشته‌اند که از جمله ابعاد این مناسبات، حوزه زبان است.

در این بین زبان بلوچی به حکم موقعیت جغرافیایی زیست بوم گویشوران در عرصه تمدن اسلامی محصور بوده و از آن روی که بلوچها مسلمان بوده‌اند ناگزیر مناسباتی تنگاتنگ با زبان عربی داشته‌اند. بدین ترتیب واژگان فراوانی با واسطه زبان فارسی و یا بدون واسطه مستقیماً از زبان عربی به زبان بلوچی انتقال یافته‌اند. از آنجا که هر زبانی ساختار آوایی ویژه خود را دارد این وامواژه‌ها پس از ورود به زبان بلوچی دچار دگرگونی آوایی شده‌اند.

این مقاله به عنوان مطالعه‌ای «در زمانی» و «تاریخمند» در صدد است که با روش توصیفی-تحلیلی دگرگونیهای آوایی موجود در این وام واژه‌ها را یافته و مورد واکاوی قرار دهد. دگرگونیهای آوایی عبارتند از «ابدال»، «قلب»، «حذف» و «درج» که در این مقاله «ابدال» به صورت اختصاصی مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج نشان‌دهنده آن است که «ابدال» وامواژه‌ها در زبان بلوچی به نسبت وامواژه‌های عربی موجود در زبان فارسی از تنوع بیشتری برخوردار است که شفاهی بودن فرهنگ و ادبیات بلوچی در این امر بسیار تأثیر داشته است.

**واژگان کلیدی:** زبانشناسی، دگرگونیهای آوایی، وامواژه، زبان عربی، زبان بلوچی

### ۱. مقدمه

زبانشناسی به عنوان دانشی که عهده دار مطالعه زبانها است گاه زبان را در بستر زمان و به منظور بازنمایاندن دگرگونی‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد و اصطلاحاً مطالعه‌ای «در زمانی»<sup>۱</sup> انجام می‌دهد و گاه بدون در نظر گرفتن گذشته، ویژگی‌های زبانی یک دوره خاص را مد نظر قرار داده و مطالعه‌ای «همزمانی»<sup>۲</sup> را در پیش می‌گیرد (باقری، ۱۴۰۱، ص ۳۷) (Bagheri.1401h.p(37) (37) مطالعه دگرگونی‌های آوایی پیوسته یکی از اصلی‌ترین موضوعات مطالعات زبانشناسی تاریخی بوده و مطالعات موشکافانه و روش‌مند در این حیطه به گونه‌ای مدل‌های نظری برای سایر مطالعات تاریخی را نیز فراهم ساخته است (آرلاتو، ۱۳۸۴، ص ۷۶) (Arlotto.1384h.p(76) (76) اگر زبان را به عنوان ساختاری یکپارچه در نظر بگیریم قواعد دستوری ثابت‌ترین بخش و

<sup>1</sup> Diachronic

<sup>2</sup> Synchronic

واژگان بی ثبات ترین بخش خواهند بود واژه ها براساس نیاز یک جامعه معین رواج می‌یابند و منسوخ می‌شوند و به نحوی آزادانه از زبانی به زبان دیگر وارد می‌شوند. در بسیاری موارد با ورود کالاهای وارداتی از یک جامعه واژگانی جدید نیز به همراه آن کالاها به زبان و فرهنگ جامعه وارد کننده راه می‌یابند همچنین متخصصان علوم گوناگون پیوسته اصطلاحات و عباراتی را از فرهنگ های دیگر به عاریت می‌گیرند که ممکن است سالیان سال بدون آگاهی گویش وران غیر متخصص مورد استفاده قرار گرفته شوند (آرلاتو، 1384ه، ص. 210). (Arlotto, 1384h, p. 210)

زبان عربی به حکم آن که زبان دین اسلام بوده پیوسته به زبانهای جوامع مسلمان وامواژه‌هایی را صادر نموده است؛ شاهد این مدعا واژگان عربی بیشماری است که در نظم و نثر فارسی رایج بوده و هم اکنون نیز به کار برده می‌شوند به عنوان مثال فردوسی به رغم تلاش در سره نویسی 706 واژه غیر مکرر عربی را در شاهنامه به کار گرفته است (عامری، 1395 هـ، ص. 88) (Ameri, 1395h., p. 88) زبان بلوچی نیز مانند دیگر زبان های جوامع مسلمان وام واژه های عربی بی شماری را در گنجینه واژگانی خود دارد. پژوهش حاضر خواهد کوشید به روش کتاب پژوهی وامواژه‌های عربی موجود در منابع لغتنامه ای زبان بلوچی را استخراج نموده و دگرگونی‌های آوایی حاصل در آنها را پس از ورود به زبان بلوچی بازنمایاند در این میان لغتنامه بلوچی فارسی عبدالغفور جهاندیده که در سال 1397 به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب شده است منبع اصلی خواهد بود.

### پرسش های پژوهش

با توجه به آنچه گفته شد مقاله حاضر کوشیده است به پرسشهای زیر پاسخ دهد.

- 1\_ دگرگونی آوایی وام واژه‌های عربی پس از ورود به زبان بلوچی چگونه بوده است؟
- 2\_ چه فرآیند های واجی در جریان انطباق واژه های عربی با زبان بلوچی به وقوع پیوسته است؟

### 2. پیشینه پژوهش

تدوین آثار ادبی زبان بلوچی عمری کمتر از صد سال داشته و پیش از آن اشعار شاعران بلوچ به صورت شفاهی و در سینه راویان نگهداری می‌شده است؛ مطالعات زبان شناسی در زبان بلوچی نیز نخستین بار توسط شرق شناسانی چون الفنباین بنا نهاده شده و عمری تقریباً هفتاد ساله دارد؛ پژوهش حاضر پیشینه ای از نوع خود ندارد اما از آنجا که در این مقاله وام واژه های عربی موجود در زبان بلوچی را می‌خواهیم مورد مطالعه قرار دهیم می‌توان مطالعاتی از همین دست در حوزه زبان فارسی یا زبان کردی را پیشینه ای برای مقاله حاضر به شمار آورد. رساله دکتری گردآوری شده توسط افتخارسادات هاشمی با راهنمایی عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا در سال 1395 وام واژه های موجود در زبان فارسی را از دیدگاه انطباق واجی مطالعه نموده و در صفحات 80 تا 119 رساله خود فرآیندهای واجی رخ داده در وام واژه های عربی را مورد مطالعه قرار داده است. دانشجوی کارشناسی ارشد، شادی زند سلیمی با راهنمایی سید محمد رضی نژاد در سال 1397 نیز همین مطالعه را درباره وام واژه‌های موجود در زبان کردی انجام داده است اما واژگان با اصالت عربی را به گونه‌ای ویژه بررسی ننموده است.

## 3. چارچوب نظری پژوهش

مهمترین واقعیت در مطالعه وامواژه‌ها آن است که این واژگان پس از ورود به زبان دیگر با نظام آوایی زبان مقصد همگون و منطبق می‌شوند (آرلاتو، 1384 هـ، ص. 213) (Arlotto, 1384h., p. 213) انطباق واجی وام واژه‌ها صورتهای گوناگونی دارد که در این مقاله چهار گونه دگرگونی غالب که عبارتند از ابدال، قلب، درج و حذف بررسی خواهند شد

1\_ ابدال: بسیار پیش می‌آید که صدایی از یک وامواژه با صدایی دیگر جایگزین شود به عنوان مثال به دلیل نبودن همخوان w در زبان فارسی گویش وران زبان فارسی آن را با همخوان v که شبیه‌ترین صدا به آن است بدل می‌کنند (جم، 1394 هـ، ص. 43) (Jam, 1394h., p. 43)

2\_ قلب: عبارت است از جابه‌جایی دو واج در یک واژه مانند واژه «دیسک» به صورت «دیکس» و «ماسک» به صورت «ماکس» (جم، 1394 هـ، ص. 41) (Jam, 1394h., p. 43)

3\_ درج: افزوده شدن یک یا چند واحد واجی در ابتدا، وسط یا پایان یک واژه درج نامیده می‌شود. (جم، 1394 هـ، ص. 59) (Jam, 1394h., p. 59) مانند تلفظ واژه انگلیسی "student" به صورت "estudent" در زبان فارسی که در این مثال درج از نوع آغازین بوده و در ابتدای واژه واج ؟ افزوده شده است.

4\_ حذف: عدم تلفظ یک یا چند عنصر واجی در یک واژه حذف نامیده می‌شود که بسته به آنکه واج حذف شده در آغاز، وسط و یا انتهای واژه مورد نظر قرار داشته باشد حذف آغازین، حذف میانی و حذف پایانی نامیده می‌شود. (جم، 1394 هـ، ص. 49) (Jam, 1394h., p. 49). حذف آغازین مانند حذف تاریخی همخوان k در تلفظ واژه‌های انگلیسی «knight Knife Knee»

حذف میانی مانند حذف واکه کسره در میانه واژه «حَرَکَة» و تلفظ آن به صورت [Cat.Har] حذف پایانی مانند حذف همخوان t در واژه «دست» و «سخت» و تلفظ آن‌ها به صورت «

[das]. [sax]

## نظام آوایی زبان عربی و بلوچی

## 1-4 نظام آوایی زبان عربی

زبان عربی دارای 28 همخوان است که در جدول زیر نشان داده شده اند (زعفرانلو و هاشمی 1393 هـ، ص. 234) (Zaferanlu & Hashemi, 1393h., p. 234)

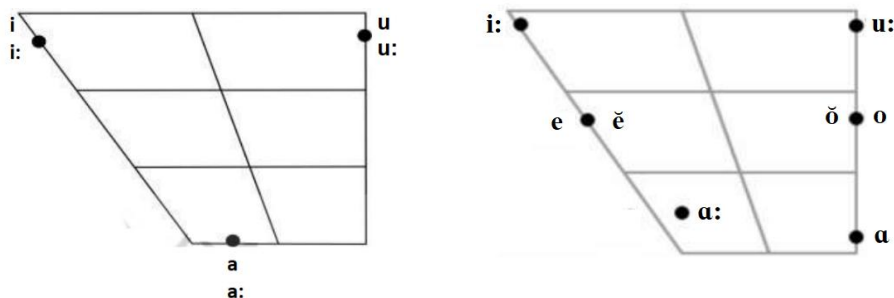
نوعه محل تولید	لب		توقه زبان				دنده زبان				ریشمای		چکشی	
	ع	ب	ت	د	ث	ذ	ز	س	ش	ح	خ	ع	ق	ک
همخوان های گرفته	سندسای	b									k	q		ʔ
	سندسای نرم‌سای شده				ʔ									
	سندسای	f	θ			s	z				x	h	ʔ	h
	سندسای نرم‌سای شده		θʔ		zʔ	sʔ								
سندسای							dʒ							
همخوان های رسا	مختومی	M				n								
	قناری					l								
	تقریری					r								
	غلت	w						j						

کوتاه	/a/ فتحه	/i/ کسره	/u/ ضمه
بلند	/a:/	/i:/	/u:/

واکه ها در زبان عربی سه جفت کوتاه و بلند هستند که طبق آوانگاری IPA با علامت‌های زیر نشان داده می‌شوند.

همانطور که در جدول نشان داده شده است از کشیده شدن سه واکه کوتاه کسره، فتحه و ضمه سه واکه بلند زیرین پدید خواهد آمد بنابراین کشش واکه ها در زبان عربی تفاوت معنایی ایجاد خواهد کرد (زعفرانلو و هاشمی، 1393 هـ، ص. 234) (Zaferanlu & Hashemi, 1393h, p. 234)

نمودار زیر واکه های زبان عربی را از حیث محل تولید و جایگاه زبان به هنگام تولید نشان می‌دهد (عامری، 1395، ص. 96) (Ameri, 1395 h., p. 96).



#### 4-2 نظام آوایی زبان بلوچی

زبان بلوچی اما 21 همخوان دارد که در جدول شماره زیر نشان داده شده اند. (بلوچ‌زهی، 1396 هـ، ص. 88) (Balochzehi, 1396h, p. 88).

چاکنایی	کامی	لنوی- کامی	برگشتی	لنوی	دولبی	→ مکان تولید شیوه تولید ↓
	k		t̪	t	p	بی واک انسدادی
	g		ɖ	d	b	واکدار
h		ʃ		s		بی واک سایشی
		z		z		واکدار
		ʃ̪				بی واک انسایشی
		ɖʒ				واکدار
				n	m	واکدار خیشومی
				r		واکدار لرزشی
				l		واکدار کناری
	J				w	واکدار غلت

واکه های زبان بلوچی نیز هشت واکه ساده هستند که با آوانگاری IPA در جدول نشان داده شده اند از این هشت واکه شش مورد آنها با زبان فارسی مشترک بوده و عبارتند از سه واکه کوتاه (e o) و (a) به علاوه سه واکه بلند (u i ā) و دو واکه «ē» و «ō» که از کشیده شدن دو واکه «e» و «o» پدید می‌آیند؛ دو واکه اخیر در فارسی معیار وجود ندارند. اما در گویش مردم فارس زبان افغانستان و تاجیکستان و در زبان پهلوی وجود دارند.

	پیشین	مرکزی	پسین
بسته	/i:/ /e/		/u:/ /o/
نیمه باز	/è/		/ö/
باز		/a:/ /a/	

(کورن، 2005م، ص. 55) (Korn, 2005, p. 5).

نمودار زیر واکه های زبان بلوچی را از حیث پسینی و پیشینی و افراشته و افتاده بودن نشان می‌دهد (عامری، 1395 هـ، ص. 97) (Ameri, 1395 h., p. 97).

همانطور که از مقایسه دو جدول حاوی واکه ها در دو زبان عربی و بلوچی مشاهده می‌شود؛ فقط دو واکه «i:» و «u:» در عربی و بلوچی مشترک هستند و ما بقی واکه ها گرچه در زبان فارسی و به تبع آن در بلوچی با همان نامهای واکه های زبان عربی (فتحه، کسره، ضمه، ...) نامیده شده‌اند اما از منظر زیباشناسی تخصصی با توجه به جایگاه تولیدشان در دهان و شکل زبان در هنگام تلفظ کاملاً متفاوت هستند.

### 3-4 واکه الف ممال و پدیده اماله در زبان عربی

علاوه بر شش واکه زبان عربی که نام بردیم چه در حال حاضر و چه در قدیم واکه دیگری نیز بوده است که در قرائت های قرآنی نیز ثبت شده و به آن الف ممال (متماثل به یاء) می‌گفته‌اند؛ (الجرمی، 1442 هـ، ص. 50) (Al-Jarmi, 1442h., p. 50) در قرائت حفص از عاصم که رایج ترین قرائت در کشورهای اسلامی می‌باشد تنها در یک آیه این واکه را می‌توان دید و آن عبارت است از «بسم الله مجریها و مرساها...» (هود 41) اما در قرائت های دیگری چون حمزه و کسایی به وفور یافت می‌شود. در عبارت اخیر ودر واژه «مجریها» واکه پس از همخوان «ر» الف ممال است که صدایی «بین الف و یا» دارد؛ (الجرمی، 1442 هـ، ص. 54) (Al-Jarmi, 1442h.p.) 54 الف ممال از آن روی که بسیار شبیه است با واکه «è» در زبان بلوچی و نیز بدان سبب که وام واژه‌هایی حاوی الف ممال در زبان بلوچی وجود دارند که در زبان فارسی بدون اماله و با الف معمولی وارد شده‌اند در مقاله حاضر حائز اهمیت خواهد بود و در بخش تحلیل داده ها به شکلی مفصل‌تر به آن خواهیم پرداخت.

### 5. ارائه و تحلیل داده ها

دگرگونی‌های آوایی را به اعتباری به دو گونه مشروط و غیرمشروط تقسیم بندی می‌کنند بدین معنا که پاره ای واج ها در طول تاریخ و بدون قید و شرط به واج دیگری تبدیل می‌شوند اما پاره ای واج ها فقط در صورت قرار گرفتن در بافت آوایی خاصی به واج دیگر تبدیل می‌شوند (آرلاتو، 1384 هـ، ص. 80) (Arlotto, 1384h.p. 80) از این منظر دگرگونی‌های غیرمشروط آوایی در زبان بلوچی چنین خواهند بود.

تبدیل همخوان «ط» به «ت»

تبدیل دو همخوان «ح» و «خ» به «ه»

تبدیل همخوان «ع» به «ء،أ»  
 تبدیل دو همخوان «ص» و «ث» به «س»  
 تبدیل همخوان «غ» به «گ» یا «ک»  
 تبدیل همخوان «ف» به «پ»  
 تبدیل همخوان های «ق» به «گ» یا «ک»  
 تبدیل همخوان های «ض»، «ظ» و «ذ» به «ز»

مطالعه بیش از 900 وام واژه که در آنها ابدال صورت گرفته علاوه بر تبدیل های غیرمشرط فوق تبدیلات مشروط دیگری را نیز نشان می دهد که در ادامه خواهند آمد.

## تبدیل ʔ به w

## تبدیل ʔ به j

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
دعاء (دوا)	/duʕa:ʔ/	/dwä/
عقاب (وکاب)	/ʕuqa:b/	/wakäb/
معتبر (مؤتبر)	/muʔtabar/	/mötabar/

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
بعد (بید)	/baʕd/	/Bajd /
شعر (شیر)	/ʃiʕr/	/ʃajr/
عامود (یامود)	/ʕa:mu:d/	/jämu:d/
عجب (یاجب)	/ʕadʒab/	/jädʒab/
عزیز (یازیز)	/ʕazi:z/	/jäzi:z/
عادة (آدت، یادت)	/ʕa:dat/	/jädat/
لعب (لیب)	/laʕib/	/lajb/
نعمة (نیامت)	/niʕmat/	/ni:jämat/

## تبدیل ʔ به g

## تبدیل ʔ به w

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
شعر (شگر)	/ʃiʕr/	/ʃagr/

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
سؤال (سوال)	/suʕa:l/	/swäl/

این دگرگونی موردی بسیار خاص و غیر رایج در زبان بلوچی است و فقط به جهت جمع آوری همه گونه های ابدال آنرا آورده ایم.

درباره ی دگرگونی ʔ می باید دانست که ʔ ابتدا در زبان بلوچی به ʔ تبدیل و همزه در مرحله بعد با توجه به واجهای مجاور موجود در واژه پس از تسهیل به j یا w تبدیل می شود

به عنوان مثال در واژه «لعب» ؟ حاصل از دگرگونی ؟ چون کسره داشته به **j** بدل شده است اما در دو واژه «دعاء» و «سؤال» همزه چون پیش از خود همخوان مضمومی دارد به **w** تبدیل شده است در این مورد آنچه بسیار جالب توجه است یکسانی بسیار در رفتار دو زبان عربی و بلوچی به هنگام دگرگونی «همزه» به «واو» و «یاء» است. (النوری، 2007م، ص. 331.)  
(Al-Noori, 2007.p.331)

لعب (لیب)

دعا (دوا)

سؤال (سؤال)

در مورد واژه «شگر» به وضوح می‌توان دریافت که این واژه در واقع از دگرگونی «شیر» حاصل شده است بدین معنا که ابتدا «شعر» در بلوچی به «شیر» مبدل شده و پس از آن در لهجه‌ای خاص از لهجات بلوچی همخوان **j** به همخوان مجاور خود **g** مبدل گشته است (توضیح آنکه گاف و یاء هر دو در میانه زبان تلفظ می‌شوند و تبدیلاتشان به همدیگر با توجه به نزدیکی محل تولید بسیار پذیرفتنی است.)

تبدیل **f** به **m**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
نصف (نسم)	/nis <sup>ʕ</sup> f/	/nesm/
سقف (سکم)	/saqf/	/sakm/

تبدیل **f** به **b**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
حرّافَة (هرا به)	/ħarra:fah/	/harräba/
قفس (کبس)	/qafas/	/kabas/
لفظ (لبز)	/lafð <sup>ʕ</sup> /	/labz/
نفل (نبل)	/nafil/	/nabl/
وقوف (وکوب)	/wuqu:f/	/waku:b/
قفل (کبل)	/qufil/	/kobl/

درباره دو دگرگونی فوق‌تر این می‌توان گفت که **f** ابتداء در اثر فرآیند سایش‌زدایی در بلوچی به **p** بدل و پس از آن همخوان **p** بر اثر فرآیند واکنش‌زدایی (جم، 1394ه، ص. 69) (Jam, 1394h.p. 69) به **b** و **m** مبدل شده است.

تبدیل **r** به **n**

تبدیل **r** به **l**



وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
مرجل(منجل)	/mirdʒal/	/mandʒal/

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
بواسیر(باوسیل)	/bawasi:r/	/bāwasi:l/
زامر(زیمل)	/za:mir/	/zəmol/
سیر(سیل)	/sajr/	/sajl/
ضرر(زئر)	/dʕarar/	/zalar/
ضرور(زلور)	/dʕaru:r/	/zalu:r/

دگرگونی r به l و n در موارد فوق را با خیشومی شدگی همخوان ها به راحتی می توان تفسیر نمود بدین معنا که r در موارد فوق پس از افزوده شدن نوعی غنه و پیچش هوا در مجرای بینی به l و n مبدل شده است

(جم، 1394 هـ، ص. 56) (Jam, 1394h.p. 56)

#### تبدیل s به z

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
اسباب(ازباب)	/ʔasba:b/	/azbāb/
تسبیح(تزیبی)	/tasbī:ḥ/	/tabzī:l/
اسهال(ازهال)	/išħa:l/	/ezhāl/
اسحاق(ازهاک)	/išħa:q/	/ezhāk/
اسماعیل(ازماییل)	/isma:ʕi:l/	/ezmäjēl/
مسواک(مزوانک)	/miswa:k/	/mozwānk/
وسمة(وزمه)	/wasmah/	/wazma/

#### تبدیل θ به z

#### تبدیل s به z

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
خصم(هزم)	/xasʕm/	/hazm/

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
عثمان(ازمان)	/ma:nθʕu/	/ozmäñ/

از آنجا که همخوان های θ، sʕ، s در زبان بلوچی هر سه به شکل s تلفظ می شوند برای یافتن چرایی تبدیل آنها به z در واقع یک دگرگونی آوایی را باید بررسی کرد و نه سه مورد؛ توجه این دگرگونی نیز آن است که در واژه های فوق همخوان s پس از فرایند واگذار شدن به z مبدل

شده است واکدارشدگی همخوان ها نیز به سبب قرار گرفتن در مجاورت واجهای واکدار رخ می‌دهد به عنوان مثال در واژه «تسییح» همخوان s در اثر مجاورت با همخوان واکدار b پس از واکدار شدگی به z مبدل شده است؛ واج های واکدار واجهایی هستند که تلفظ آنها بدون ارتعاش تارهای صوتی حنجره ممکن نمی‌باشد. (جم، 1394هـ.ص. 107)(Jam, 1394h.p. 107)

## تبدیل x به k

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
خمار (کمار)	/xoma:r/	/komär/
سخی (سکی)	/saxi:j/	/saki:/
شخص (شکس)	/ʃaxsʕ/	/ʃaks/

## تبدیل θ به t

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
مَثَل (بَتَل)	/alθama/	/batat/
دَبُوْت (دووت)	/θdajju:/	/dau:t/

از آنجا که در بلوچی θ به صورت s تلفظ می‌شود و تبدیل s به t بسیار نادر است بهترین توجیه برای چرایی چنین تبدیلی چنین به نظر می‌رسد که بلوچ‌ها این واژه را از عرب‌زبانانی گرفته باشند که خود این همخوان را نداشته و به جای θ همخوان t را به کار می‌برده‌اند مانند مردم مصر که هم‌اکنون نیز «کتیر» را «کتیر» و «اکثر» را «اکتر» تلفظ می‌کنند.

( سلیمان، 2016م، ص 134)(sulaiman.2016.p 134)

این تبدیل چیزی نیست جز سایش‌زدایی از همخوان x و تبدیل آن به k اما لازم به ذکر است که x عموماً در زبان بلوچی به صورت h تلفظ می‌شود و تبدیل x به k مورد رایجی در زبان بلوچی نیست در رابطه با سه واژه مذکور نیز نگارنده دریافته است که واژه های فوق از زبان اردو به بلوچی راه یافته و پیش از ورود به زبان بلوچی چنین تغییری در آنها رخ داده است و در واقع چرایی آنرا باید در زبان اردو جستجو نمود.

## تبدیل ð به d

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
نَذْر (ندر)	/naðr/	/nadr/
تَعْوِذ (تایید)	/taʕwi:ð/	/täji:d/

تبدیل ð<sup>ه</sup> به d

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
نظارة (ندارگ)	/nað <sup>ه</sup> a:rah/	/nedärag/
حظيرة (انیره)	/ħað <sup>ه</sup> i:rah/	/addi:ra/

درباره‌ی دگرگونی دو همخوان ð و ð<sup>ه</sup> که هر دو به d بدل شده‌اند با توجه به اینکه بلوچها دو همخوان مورد نظر را عموماً به صورت z تلفظ می‌کنند جز این نمی‌توان گفت که موارد اخیر

همگی از عربهایی وام گرفته شده اند که خود به جای این دو همخوان **d** را به کار می برده اند و چنانکه پیشتر نیز در باره دگرگونی همخوان **θ** به **t** دیدیم، بسیاری از لهجه های عربی همخوان های دندانی را از دست داده و **θ** را به صورت **d** و **θ** را به صورت **t** تلفظ می کنند (همان)

تبدیل **d** به **l**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
حضرية (هلیره)	/had <sup>h</sup> i:rah/	/hali:ra/

تبدیل **d** به **l** نیز از مواردی است که جز بر قیاس با موارد اخیر نمی توان توجیهی برایش آورد، چرا که **d** در بلوچی به صورت **z** تلفظ می شود و تبدیل **z** به **l** در بلوچی سابقه نداشته است. در توجیه چرایی این دگرگونی نظرتان را به آنچه ابن جزری آورده است جلب می کنیم؛ وی در کتاب «التمهید فی علم التجوید» که از عمده ترین کتابهای علم تجوید می باشد به نقل از ابن جنی چنین آورده است:

« برخی ضاد را به صورت لام مفخمه تلفظ می کنند و آنها عبارتند از زیالعه و کسانی دیگر مانندشان نیز بدان که این حرف را خصوصا اگر کسی به طبیعت خود قادر به ادایش از مخرج ویژه خود نباشد با تکلف و تعلیم نیز آنرا ادا خواهد توانست». (الجزری، 2001م، ص. 141) (Aljazri, 2001.p. 141)

به دیگر سخن واژه «حضرية» ابتدا در میان خود عربها به «حلیرة» تبدیل شده و پس از ورود به بلوچی با سایش زدایی از همخوان حلقی **h** و تبدیل آن به همخوان چاکنایی **h** به شکل «هلیره» در آمده است.

تبدیل **t** به **d**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
سَتر (سَدر)	/satr/	/sadr/

مورد حاضر نیز واکنارشدگی **t** در اثر مجاورت با همخوان واکنار **r** می باشد.

تبدیل **b** به **w** تبدیل **m** به **w** تبدیل **b** به **p** و تبدیل **w** به **b**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
سبب (سَوَب)	/sabab/	/sawab/
تمام (توام)	/tama:m/	/tawäm/
تمازح (توازه)	/tama:zuħ/	/tawäzza/
القاب (الکاپ)	/ʔalqa:b/	/alkäp/
قوي (کبیه)	/qawi:j/	/kabi:h/

موارد اخیر همگی تبدیل همخوان های شفوی به همدیگر هستند که به باور نگارنده علتی به جز توهم در شنیدار نداشته اند چرا که فرد بلوچ زبان همه این واژه ها را بدون دگرگونی های اخیر به راحتی و بی هیچ دشواری میتواند تلفظ کند. چنین توجیهی با توجه به ماهیت شفاهی زبان بلوچی در

چند قرن کاملاً معقول و قابل پذیرش است چرا که فرد بلوچ زبان به علت عدم نگارش اطلاعی از اصالت واژه نداشته است و طبیعی بوده است اگر گاهگاهی **b** را **w** یا **p** شنیده و در اثر آن «سبب» را «سَوَب» و «الكاب» را «الكاب» تلفظ نماید.

#### تبدیل **z** به **w**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
دیار (دوار)	/di:ja:r/	/dawär/
دیوث (دووس)	/θdajju:/	/dawu:s/

تبدیل اخیر موردی است کاملاً ویژه زبان بلوچی که به علت محدودیت های آوایی زبان بلوچی پدید آمده است چرا که در زبان بلوچی لهجه مکرانی که بیشتر به عنوان لهجه معیار برای نگارش ادبی و رسمی به کار می‌رود برخی آواها به دنبال هم نمی‌توانند بیایند در این باره می‌خوانیم:

«تنها دو واکه افتاده [a] و [a] می‌توانند پس از واج های غلت **w** و **z** قرار گیرند از این

رو واژه های دخیل [θdajju:]، [ju:sof]، [tu:ju:tā] پس از ورود به این زبان بلوچی تبدیل به [tā:tu] ، [t:uda] ، [supi:] شده اند»

(بلوچ‌زهی، 1393 ه.ص. 98) (Balochzehl, 1394h.p. 98)

#### تبدیل **q** به **h** تبدیل **w** به **h** تبدیل **w** به **x** به **g** تبدیل **h** به **g**

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
قدر (چهده)	/qadr/	/tʃehda/
وقت (وهد)	/waqt/	/wahd/
وبال (أهبال)	/waba:l/	/ohbäl/
وبال (اگبال)	/waba:l/	/ogbäl/
بختی (بگدی)	/buxti:/	/bogdi:/
عهده (اگده)	/ʕuhdah/	/ogda/

گرچه در وهله اول به نظر می‌رسد پنج مورد اخیر هیچگونه وجه مشترکی باهم ندارند اما در واقع همگی مواردی هستند از تبدیل **h** و **g** به همدیگر چرا که در مورد نخست «قدر» ابتدا به صورت «گدر» در بلوچی وارد شده و پس از آن در واژه «چگدر» به «چهدر» و «چهده» که مرخم همان واژه است دگرگون شده است.

کلمه «وبال» نیز ابتدا با درج همزه در ابتدای خود به «اوبال» در آمده و پس از آن با تبدیل **w** به **h** مبدل شده است به «أهبال» و در مرحله اخیر با دگرگونی **h** به **g** به صورت «اگبال» در آمده است

واژه «بختی» نیز در زبان بلوچی ابتدا به صورت «بهتی» وارد شده و پس از آن **h** به **g** بدل شده و واژه به صورت «بگتی» در آمده است.

در واژه «عهده» نیز **h** به **g** مبدل شده و در بلوچی به صورت «اگده» در آمده است.

تبدیل دو گانه **h** و **g** نیز موردی است مخصوص زبان بلوچی که چرایی و چگونگی آن پژوهشی مستقل را مطالبه می‌نماید و تا کنون برای آن توجیهی نیافته‌ایم.

## 5-2 قالب

در میان وام واژه های بررسی شده 24 مورد واجد دگرگونی آوایی «قلب» بوده اند که مشروحا در جدول زیر آورده خواهند شد.

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
شرق (شگرِب)	/ʃarq/	/ʃagrib/
وقف (ویک)	/waqf/	/wapk/
وقت (وتک)	/waqt/	/watk/
طرح (تهر)	/tʰarḥ/	/tahr/
دجال (جُدال)	/dadʒdʒa:l/	/dʒodʒäl/
جذبة (جیزه)	/dʒaðbah/	/dʒabaza/
ابی بکر (ببیرگ)	/ʔabi:bakr/	/bi:barg/
نسخة (نکسه)	/nusxah/	/noksa/
صبح (سهب)	/sʰubḥ/	/sohb/
طبع (تهب)	/tʰabʕ/	/tahb/
شمع (شهم)	/ʃamʕ/	/ʃahm/
صلح (سهل)	/sʰulḥ/	/sohl/

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
غذر (ارز)	/ʕuðr/	/orz/
بواسیر (باوسیل)	/bawa:si:r/	/bäwasi:l/
تسبیح (تیزی)	/tasbiḥ/	/tabzi:/
جولان (جلوان)	/dʒawala:n/	/dʒalwän/
عبرة (اربت)	/ʕibrat/	/erbat/
لعة (نالت)	/laʕnat/	/nälat/
لمحة (لهمت)	/lamḥat/	/lahmat/
مطبخ (مبده)	/matʕbax/	/mobda/
مرحبا (مهربا)	/marḥaba:/	/mahrabä/
مذهب (مهزب)	/maðhab/	/mahzab/
مشهور (مهشور)	/maʃhu:r/	/mahju:r/
نصف (نپس)	/nisʕf/	/neps/

در باره قلب پر بسامد ترین الگویی که می توان بدان اشاره کرد جابه جایی همخوان های (h, ʕ, ḥ) از پایان بخش به وسط بخش و یا از بخش دوم به بخش اول واژه است در واژه های «صلح، شمع، طبع، صبح، طرح» و «مشهور، مذهب، مرحبا، لمحة»؛ که به ترتیب تبدیل شده اند به «سهل، شهم، تهب، سهب، تهر» و «مهشور، مهزب، مهربا، لهمت»

از میان وام واژه های بررسی شده 55 مورد واجد دگرگونی آوایی حذف همخوان بوده اند که مشروحا در زیر آورده شده اند.

## حذف همخوان ؟

## حذف همخوان ؟

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
إعلام (لام)	/iʕla:m/	/elläm/
إعلان (الان)	/iʕla:n/	/ellän/
إنعام (انام)	/inʕa:m/	/anäm/
أعراف (آراپ)	/ʔaʕra:f/	/äräp/
ادعاء (ادا)	/iddiʕa:ʔ/	/eddä/
اعتكاف (اتکاپ)	/iʕtika:f/	/ettekäp/
بدعة (بدت)	/bidʕat/	/bedat/
ساعة (سا)	/sa:ʕa:t/	/sä/
جمعة (جمه)	/dʒumʕah/	/dʒuma/
شفاعة (شپات)	/ʃafa:ʕat/	/ʃpät/
مُعِين (میم)	/muʕajjan/	/majam/
معاف (ماپ)	/muʕa:f/	/mäp/
مُعلق (ملاگ)	/muʕallaq/	/malläg/
بيع (بی)	/bajʕ/	/baj/
جمع (جم)	/dʒamʕ/	/dʒam/
طبيع (تب)	/tʕabʕ/	/tab/
وُسع (وس)	/wusʕ/	/was/
نفع (نپ)	/nafʕ/	/nap/
شرع (شر)	/ʃarʕ/	/ʃar/
عوض (وز)	/ʕiwadʕ/	/waz/
وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
أعضاء (آزا)	/ʔaʕdʕa:ʔ/	/äzä/
عشاء (اشا)	/ʕiʃa:ʔ/	/eʃä/
أولياء (اولیا)	/ʔawlija:ʔ/	/awli:jä/
وفاء (وپا)	/wafa:ʔ/	/wapä/
رناء (ریا)	/riʔa:ʔ/	/ri:jä/
دواء (دوا)	/dawa:ʔ/	/dawä/
جلاء (جلا)	/dʒal:ʔ/	/dʒalä/
بهاء (بها)	/baha:ʔ/	/bhä/
لقاء (لکا)	/liqa:ʔ/	/lekä/
دعاء (دوا)	/duʕa:ʔ/	/dwä/
هواء (هوا)	/hawa:ʔ/	/hawä/
حياء (هیا)	/ħaja:ʔ/	/hajä/
أول (ول)	/ʔawwal/	/wal/

/dzäzät/	/ʔidza:zah/	إجازة (جازات)
/mi:r/	/ʔami:r/	أمير (مير)
/hawäl/	/ʔaḥwa:l/	أحوال (هوال)
/ferär/	/ʔafra:r/	أشرار (شرار)
/dzorat/	/dzurʔat/	جراة (جرت)
/korän/	/qurʔa:n/	قرآن (كران)
/masala/	/masʔalah/	مسألة (مسله)
/maläkat/	/malaʔikat/	ملائكة (ملاكت)

## حذف همخوان x

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
مطبخ (مبده)	/matʕbax/	/mobda/
خشخاش (هشاش)	/xaʃxa:ʃ/	/haʃʃ/
شیخ (شی)	/ʃajx/	/ʃaj/

## حذف همخوان ħ

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
تمازح (تواژه)	/tama:zuħ/	/tawäzza/
صباح (سبا)	/sʕaba:ħ/	/sabä/
تراویح (تراپی)	/tara:wi:ħ/	/taräbi:/
مساح (منسا)	/massa:ħ/	/mansä/
نصیحة (نسیت)	/nasʕi:ħat/	/nasi:at/

## حذف همخوان ʕ

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
غشی (گش)	/ʕaʃʃ/	/geʃ/

## حذف همخوان h

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
درهم (درم)	/dirham/	/dram/
مرهم (ملم)	/marham/	/malam/

## حذف همخوان l

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
ملك الموت (ملكموت- ملكمیت)	malakal/ /mawt	/malkamu:t/ /malkami:t/

## حذف همخوان t

## حذف همخوان w

وام واژه	واجنگاری عربی	واجنگاری بلوچی
مواجب (ماجب)	/mawa:dzib/	/mädzob/

وام واژه	واج‌نگاری	واج‌نگاری
وقت (وه)	/waqt/	بلوچی
	/wah/	بلوچی

در زبان بلوچی دو همخوان **ق** و **ق** هر دو به صورت **ق** و سه همخوان **h**، **h**، **x** به صورت **h** تلفظ می‌شوند. یعنی در واقع از مجموع 55 واژه بررسی شده در 41 مورد **ق** و در ۱۰ مورد **h** حذف شده است. و این موضوع گرایش شدید زبان بلوچی به حذف دو همخوان چاکنایی **h** و **ق** را نشان می‌دهد.

به عنوان مثال در واژه «أعضاء» در می‌یابیم که «ع» طی یک دگرگونی غیر مشروط در بدو ورود به زبان بلوچی به همزه تبدیل شده و توالی دو همزه کاملاً مانند زبان عربی همخوان بلند «آ» را ایجاد نموده و در پایان واژه به صورت «آزا» در آمده است.

مانند تبدیل دو همزه متوالی به واکه بلند «آ» در واژه های «أَمَنَ» و «أَثَرَ» که در اصل به صورت «أَمَنَ» و «أَثَرَ» بوده‌اند.

حذف **w** در واژه «مواجب» و تبدیل آن به «ماجب» را دگرگونی واجی «تک واکه شدگی» توجیه می‌نماید که خود نمودی از اصل کمکوشی در زبان است.

حذف **t** در واژه «وقت» نیز مثالی از پدیده رایج ترخیم است که در همه زبانها شایع بوده و خود نیز بر اساس اصل کمکوشی قابل تفسیر است.

حذف **j** در واژه «غشی» علاوه بر آنکه مانند مورد اخیر نوعی ترخیم واژه می‌باشد نشانگر آن است که واژه مستقیماً از زبان عربی به بلوچی وارد نشده و با واسطه زبان فارسی به بلوچی راه پیدا کرده است چرا که این واژه در زبان فارسی به صورت «غش» تلفظ می‌شود بنابراین واژه ابتدا در فارسی به صورت «غش» درآمده و پس از ورود به زبان بلوچی با تبدیل بسیار طبیعی **k** به **g** به شکل «گش» در آمده است.

در پایان حذف **l** در واژه «ملک الموت» و تبدیل آن به «ملکموت» از آن سبب بوده است که واژه مستقیماً از زبان عربی به زبان بلوچی راه نیافته است بلکه از ابتدا در زبان فارسی به ترکیب اضافی «ملک موت» تبدیل شده و «ال» از میان دو جزء حذف شده است و پس از آن به بلوچی وارد شده و در میان بلوچ‌ها واژه ای بسیط و نه یک ترکیب اضافی پنداشته شده است؛ نیز از آنجا که در بسیاری لهجه های زبان بلوچی دو واکه بلند **u** و **i** به همدیگر تبدیل می‌شوند، واژه «ملکموت» به صورت «ملکمیت» نیز رایج شده است.

مثال:

(سور) = (سیر) (به معنای جشن عروسی) - (بوت) = (بیت) (به معنای فعل ربطی شد) - (زوت) = (زیت) (به معنای زود)



در میان وام واژه های مطالعه شده 31 مورد واجد دگرگونی آوایی درج بوده اند که مشروحا در زیر خواهند آمد.

### درج همخوان g

وام واژه	واج نگاری عربی	واج نگاری بلوچی
نکته (نکتگ)	/nuktah/	/noktag/
نظاره (ندارگ)	/niza:rah/	/nedārag/
مولانا (مولانگ)	/mawla:nah/	/mawlānag/
خالی (هالیگ)	/xa:li:/	/hāli:g/
والی (والیگ)	/wāli:/	/wāli:g/
دنیا (دگنیا)	/dunja:/	/dogni:ā/
حناء (هنیگ)	/hinna:ʔ/	/henni:g/

در واژه های «إرادة، علامة، فائدة، خلاصة، قحبة، نکتة، نظارة» درج **g** به آن سبب است که کلمات بلوچی مختوم به فتحه مانند «دانه، جامه، پنبه» در اصل مانند زبان پهلوی به صورت «دانگ، جامگ، پنبگ» نیز به کار برده می شوند بدین سبب وام واژه های اخیر نیز در میان بلوچها توهمها دارای چنان اصلاتی دانسته شده و با درج **g** در بخش پایانی تلفظ شده اند. واژه «مولانا» نیز ابتدا در بلوچی به صورت «مولانه» و پس از آنان بر قیاس موارد پیش گفته به صورت «مولانگ» در آمده است.

درج **g** در واژه های «خالی، والی» نیز بدان سبب است که در زبان بلوچی در اصل اسامی منسوب به پسوند **i:g** ختم می شوند.

مثال:

«مردمی\_ مردمیگ» (منسوب به مردم)

«ورگی\_ ورگیگ» (به معنای خوردنی، منسوب به خوردن)

از این رو دو واژه «خالی و والی» نیز به خاطر شباهت بخش پایانی شان به چنین کلماتی دارای چنان اصلاتی پنداشته شده و به صورت «هالیگ» و «والیگ» در آمده اند.

تبدیل «حناء» به «هنیگ» نیز بدان سبب است که واژه به صورت اماله شده از عربی وارد بلوچی شده و بسیار شبیه «حنی» بوده است و بر قیاس موارد پیش گفته شده به صورت «هنیگ» در آمده است.

درج **g** در کلمه «دنیا» و تبدیلیش به «دگنیا» پدیده ای منحصر به فرد و کم سابقه است و نمودی از فرایند واجی ناهمگونی شدگی واجی می باشد بدین معنا که دو همخوان **d** و **n** قریب المخرج و شبیه هم بوده اند اما همخوان **g** در میان آن دو ایجاد ناهمگونی کرده است. (جم، 1394، ص.

(103)(Jam, 1394h., p. 103)

/anbi:r/	/ʕabi:r/	عبیر (انبیر)
/mozwänk/	/miswa:k/	مسواک (مزوانک)
/mansä/	/massa:h/	مساح (منسا)
/mallänk/	/muʕallaq/	معلق (ملانک)
/monson/	/mawsim/	موسم (منسن)
/antar/	/ʕitʕ:r/	عطر (انتر)
/nagajb/	/ʕajb/	غیب (نگیب)

درج همخوان n

به استثنای واژه «نگیب» درج همخوان n در اثر خیشومی‌شدگی واج‌ها بوده است (جم، 1394 هـ، ص 56) اما درج در واژه «نگیب» علتی ویژه در زبان بلوچی دارد و به هیچ روی فرایندی آوایی صرف نیست. توضیح بیشتر آنکه در زبان بلوچی بسیاری از واژه‌ها که حاوی معنای نفی هستند با افزودن پیشوند na و nã معنای نفی را مورد تأکید قرار می‌دهند به عنوان مثال: در کلمه «نازبهر» که در آن «بهر» به معنای «قسمت و نصیب» بوده، ابتدا با افزودن پیشوند «ز» کلمه «زبهر» به معنای «بی نصیب» و «بی بهره» ساخته شده است که در بسیاری لهجه‌ها به صورت «زبهر» رایج است اما با وجود آن به علت حاوی بودن معنای نفی در برخی لهجه‌های دیگر با پیشوند «نا» آمده و به شکل «نازبهر» استفاده شده است. خلاصه کلام آنکه درج n در واژه «نگیب» پدیده‌ای معنایی است و نه آوایی.

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
إرادة (ارادگ)	/ʔira:dah/	/erädag/
علامة (الامگ)	/ʕala:mah/	/alämag/
فائدة (پایدگ)	/faʔidah/	/päjedag/
خلاصة (کلاسگ)	/xula:sʕah/	/koläsag/
قحبة (کهبگ)	/qaħbah/	/kahbag/

درج همخوان b

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
جن (جین)	/dzinn/	/dzabenn/
جن (جیند)	/dzinn/	dzabend/
تحمل (تهمیل)	/taħammul/	/thambol/
شرق (شگرب)	/ʕarq/	/ʕagreb/
عمر (امیر)	/ʕumr/	/ombr/

درج **b** و **d** در واژه «جن» نیز مانند واژه «نگیب» توجیهی معنایی دارد. در زبان عربی چنانکه علما گفته اند اصلی وجود دارد که میگوید: «زیادة المبنى تدل على زیادة المعنى» (ابن عاشور، 1984، ج 1 ص 192) (Ibn Ashoor.1984. Vol 1. p 192) بدین معنا که افزودن حروف در ساخت واژگان گاه حکایت از تشدید معنا دارد. این اصل در زبان بلوچی نیز نمودهایی دارد به عنوان مثال برای تحبیب و تصغیر در زبان بلوچی پسوند **ok** به کار می‌رود اما اگر پیش از آن حرف **I** بیاید نشانگر مبالغه در تحبیب و تصغیر است.

مثال: چُک = پسر

چُک + ک = چُکک = پسر کوچک (پسر محبوب)

چُک + ل + ک = چُککک = پسر بسیار کوچک (پسر بسیار محبوب)

بر همین قیاس در واژه «جن» با افزودن **b** وحشت آفرینی و ترسناک بودن «جن» مورد مبالغه قرار گرفته و با افزودن دو همخوان **b** و **d** در میان و پایان آن این مبالغه بیشتر شده است. درباره درج **b** در واژه «شرق» و تبدیل آن به «شگرِب»، البته پس از قلب نیز دلیل آن است که این واژه معمولا به همراه واژه «مغرب» «مغرب» می‌آید و درج **b** به منظور همانند سازی آن با واژه «مغرب» بوده است و توجیه دیگری نمی‌تواند داشته باشد.

درج **b** در دو واژه «عمر» و «تحمل» و تبدیل آنها به «امبر» و «تهمبل» به نظر نمی‌رسد ریشه ای واجشناسانه داشته باشد بلکه صرفا موردی است که در زبان بلوچی به عنوان یک سلیقه واژه سازی مسبوق به سابقه بوده و در کلماتی که اصالتا بلوچی نیز هستند مشاهده شده است

به عنوان مثال:

(نمی) **mmian**: تبدیل شده است به (نمبی) **mbian**:

(رمینگ) **agnmear** تبدیل شده است به (رمبینگ) **agnmbear**

درج همخوان ?

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
عید (انید)	/ʕi:d/	/ai:d/
شکال (اشکیل)	/ʃika:l/	/ɛʃkəl/
یقین (ایکیم)	/jaqi:n/	/ɛki:mm/
وبال (اوبال)	/waba:l/	/öbäl/

با وجود اینکه زبان بلوچی گرایش شدیدی به حذف همزه دارد و در بخش حذف بسامد بالای حذف همزه در وام واژه ها را شاهد بودیم اما در این چهار واژه شاهد درج همزه در ابتدای وام واژه ها هستیم شاید بتوان برای این پدیده نادر درج همزه در واژگانی شامل خوشه های همخوانی در تاریخ مشترک زبانهای ایرانی فارسی، بلوچی و پهلوی را شاهد آورد و موارد اخیر را گونه ای از همان الگوی واژه سازی دانست به مثال های زیر توجه کنید. (نوروزی، جویباری، 1392، ص 159) (Nowruzi&jooybari.1392h.p 159)

مثال

(شکستن = اشکستن) (شکار = اشکار) (شتاپا = اشتاپ)

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
نصوح(نسوات)	/nas <sup>ʕ</sup> u:ħ/	/nasu:ät/
نصوح(نصوهات)	/nas <sup>ʕ</sup> u:ħ/	/nasu:hät/

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی
دُبی(دبیبی)	/dubaj/	/dabaji:/

در اینجا ابتدا واکه ضمه بر روی **d** در اثر مجاروت با واکه فتحه بر روی **b** دچار پیشینی‌شدگی واجی شده و به فتحه بدل شده است پس از آن نیز همخوان **j** با آمدن واکه بلند **i** یک درجه پیشین‌تر شده است

در این مورد گویا توهم در شنیدار باعث چنین درجی شده است چرا که تنها موردی که در بلوچی چنین واژه ای کاربرد دارد به همراه واژه «توبه» می باشد می‌توان چنین پنداشت که عبارات قرآنی «توبه نصوحا» به اشتباه «توبه نصوحات» شنیده شده است.

درج همخوان **m** در پایان واژه «قعر» و تبدیل آن به واژه «کهرم» بسیار واضح است که این درج نیز ریشه اوایی نداشته بلکه ماهیتی معنایی در زبان بلوچی دارد چرا که پسوند **mo** در زبان بلوچی مانند فارسی برای ساخت اعداد ترتیبی به کار می‌رود؛ دو واژه «قعر» و «کهرم» هر دو به معنای ژرفا اشاره دارند اما در زبان بلوچی با آوردن پسوند مذکور بر قیاس کلماتی مانند هفتم و هشتم که نشان دهنده ترتیب هستند واژه «کهرم» نشان دهنده پایین ترین و ژرف ترین طبقه در ژرفا و عمق شده است.

### 5\_5 وام واژه های شامل واکه الف ممال

در بخش های پیشین به مصوت الف ممال در زبان عربی و پدیده اماله اشاره ای شد؛ وام واژه‌های «شاکر، ساحر، جاهل، زامر، غلاف، لحاف، مدام، لباس، خلاف، مجاور» به جز «زامر» همگی در زبان فارسی نیز رایج هستند اما در زبان بلوچی به گونه ای خاص تلفظ می‌شوند همچنین حروف الفبای «باء، تاء، ثاء، راء، زاء» در زبان بلوچی نامهایی متفاوت با نام فارسی‌شان دارند.

وام واژه	واج‌نگاری عربی	واج‌نگاری بلوچی	واج‌نگاری فارسی
زامر(زیمَل)	/za:mir/	/zəmol/	-----
ساحر(سِیْهر)	/sa:ħir/	/səher/	/säher/
شاکر(شِیکِر)	/ʃa:kir/	/ʃəker/	/ʃäker/
جاهل(جِیْهَل)	/dʒa:ħil/	/dʒəhel/	/dʒähel/
غلاف(گَلیْپ)	/bila:f/	/geləp/	/beläf/
لحاف(لِهیْپ)	/liħa:f/	/lehəp/	/lehäf/
خلاف(خِلیْپ)	/xila:f/	/heləp/	/xeläf/
لبظظاس(لِبیْس)	/liba:s/	/lebəs/	/lebäs/
سلاح(سِلیْه)	/sila:ħ/	/seləħ/	/seläh/
مجاور(مِجِیْبر)	/mudʒa:wir/	/modʒəber/	/modʒäver/
باء(بی)	/ba:ʔ/	/bə/	/bä/
تاء(تی)	/ta:ʔ/	/tə/	/tä/

/sä/	/së/	/a:ʔθ/	ثاء(سى)
/rǎ/	/rë/	/ra:ʔ/	راء(رى)
/zǎ/	/zë/	/za:ʔ/	زاء(زى)
/tä/	/të/	/t'a:ʔ/	طاء(تى)
/alefbǎ/	/alebbë/	/alifba:ʔ/	الفباء (البى)

ناگفته میتوان دریافت که چنین پدیده ای به تنهایی از طریق نوشتار قابل انتقال نبوده است چرا که در زبان عربی این واژه ها حتی در میان قبایلی که به صورت **ممال** تلفظ می شده اند در نوشتار کاملا مشابه **الف غیر ممال** نوشته می شده اند مضاف بر آن زبان بلوچی همانطور که پیشتر گفته شد تا حدود یک قرن پیش به صورت **شفاهی** بوده و ماهیت **مکتوب** نداشته است؛ از مجموع آنچه گفته شد به وضوح می توان دریافت که بلوچها در دوره هایی از تاریخ خود به شکلی گسترده و به نحوی مستقیم با عربها تماس و مراوده مستمر داشته اند.

### نتیجه گیری

وجود بیش از **1000** وام واژه عربی در زبان بلوچی که از آنها چند برابر همین تعداد، ترکیبات حاوی این وام واژه ها ساخته شده است و نیز وجود وام واژه هایی که در زبان عربی فعلی بسیار غریب و بدون کاربرد هستند به وضوح حاکی از ارتباط تنگاتنگ میان دو زبان بلوچی و عربی در طول تاریخ است.

از میان دگرگونی های آوایی بررسی شده همانطور که قابل پیش بینی بود ابدال پر بسامدترین دگرگونی است که بیش از **900** مورد را شامل می شود و قلب با **24** مورد کم بسامدترین دگرگونی است در این میان دگرگونی درج **31** مورد و حذف **55** مورد را به خود اختصاص داده اند.

ابدال همخوان ها در زبان بلوچی در مقایسه با ابدال در زبان فارسی بسیار متنوع تر است چرا که در بلوچی تبدیل همخوان هایی مانند «و» به «گ» یا «خ» به «گ» یا تبدیل «م» و «ن» به همدیگر دیده می شوند که در زبان فارسی به ندرت می توان چنین تبدیلی های یافت.

از بررسی وام واژه هایی که دچار قلب یا حذف شده اند مشاهده شد که عمده موارد شامل این دو دگرگونی به واژگان شامل حروف **حلقی** بر میگردد؛ به صورت جزئی تر باید چنین گفت که زبان بلوچی گرایش بسیار به حذف همزه داشته و از آوردن حروف **حلقی** در بخش پایانی کلمات **گریزان** است بدین سبب حروف حلقی در پایان واژه ها یا **حذف** شده و یا به بخشهای **نخست** کلمات **جابج**ا شده اند.

پر بسامدترین و عمده ترین همخوان های درج شده در وام واژه های عربی به ترتیب عبارتند از «گ»، «ن»، «ب» با مطالعه وام واژه هایی که دگرگونی آوایی درج در آنها رخ داده بود مشاهده شد که در بیشتر موارد **فرآیندهای معنایی** مربوط به واژه سازی در زبان بلوچی موجب درج همخوان بوده است و نه قواعد آوایی صرف.

**سایش زدایی**، **خیشومی شدگی**، **واکدار شدگی**، **تکواکه شدگی** و **ناهمگون شدگی** از جمله فرآیندهایی بود که در انطباق واجی وام واژه های عربی با نظام آوایی زبان بلوچی دیده شد. در پایان دیده شد که ریشه بسیاری از دگرگونی های آوایی ایجاد شده در وام واژه های عربی **سلیقه** خاص

گویشوران بلوچ در واژه سازی یا توهم در شنیدار بوده است که با توجه به شفاهی بودن فرهنگ و ادب بلوچی امری بسیار طبیعی است.

### منابع

#### الف: کتابها

##### قرآن کریم

آرلاتو، آنتونی (1384ش)، درآمدی بر زبانشناسی تاریخی، ترجمه یحیی مدرس، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ابن الجزری، شمس الدین، (1421ق)، التمهید فی علم التجوید، بیروت، مؤسسة الرسالة  
ابن عاشور، طاهر، (1984م)، التحرير و التنویر، تونس، دار التونسیة للنشر  
باقری، مهروی (1401ش)، مقدمات زبانشناسی، چاپ بیست و پنجم، تهران، نشر قطره  
الجرمی، ابراهیم (1422ق)، معجم علوم القرآن، چاپ نخست، دمشق، دار القلم  
جم، بشیر (1394ش)، فرهنگ توصیفی فرآیندهای واجی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی  
سلیمان، عطیة، (2016م)، اللهجة المصرية بین التراث و المعاصرة، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب

النوری، محمد جواد، (2007)، علم الاصوات العربیة، عمان، انتشارات جامعه القدس المفتوحة

10.Korn, Agnes (2005), Towards a Historical Grammer of Balochi, Frankfurt, aus Göttingen

#### ب: پایان نامه ها

بلوچ زهی، نواز، آهنگر، عباسعلی، اکاتی، فریده، (1393ش)، توصیف نظام واجی گویش بلوچی مکرانی (سربازی) بر اساس انگارهی برکوئست (2001) دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
پ: مقاله ها

عامری، حیات، (1395ش) و اموازه های عربی در فارسی بررسی تحولات آوایی و معنایی، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی عربی- فارسی، شماره 2، ص 87 تا 104  
کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ، هاشمی، افتخار سادات، (1394ش)، انطباق واجی واکه های و اموازه های زبان عربی در فارسی رویکرد بهینگی، جستارهای زبانی، شماره 27، ص 229 تا 258

نوروزی، حامد، قربانی جویباری، کلثوم، (1392ش)، بررسی تاریخی برخی تحولات آوایی رایج در پارسی خراسان جنوبی، نشریه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره 27، ص 141 تا 172

## References

### A: books

- Arlotto.A(1384h), Introduction to historical linguistics, Modarresi.Y, 2<sup>nd</sup> publition, Tehran, Research Institute of Humanities and Cultural Studies  
Ibn Aljazari, Shams Al-Din, (1421h)Al-Tamhid fi ilm Al-Tajwid, Beirut, Al-risalah Foundation  
Ibn Ashoor, Tahir, (1984), Al-Tahrir wa Al-Tanwir, Tunus, Tunisian Publishing House

Bagheri, Mehri, (1401h), Introduction to linguistics, Twenty fifth edition, Tehran, Ghatreh publication  
Al-Jarmi, Ibrahim, (1422h), Dictionary of Quran since, Damascus, Al-Qalam publishing house  
Jam, Bashir, (1394h), Descriptive dictionary of phonological processes, Tehran, University Publication Center.  
The Holly Quran.

Sulaiman, Atiyyah, (2016), The Egyptian dialect between heritage and contemporary, Cairo, The Egyptian General Authority for Books  
Al-Noori, Muhammad Jawad, (2007), Arabic Phonetics, Amman, Al-Quds Open University  
Korn, Agnes (2005), Towards a Historical Grammer of Balochi, Frankfurt, aus Göttingen

#### **B: Theses**

Balochzahi, Navaz, Ahangar, Abbasali, Okati, Farideh, (1393h), Description of phonetic system of Makrani (Sarhazi) Baloch dialect based on Berkoest's model, Sistan and Baluchistan University, Faculty of Literature and Humanities

#### **C: Articles**

Ameri, Hayat, (1395h), Arabic loanwords in Farsi, study of phonetic and semantic evolutions, Two Quarterly Journal of Comparative Arabic Studies, second number, From page 87 to page 104  
Kurd Zaferanlu Kambuzia, Alieh, Hashemi, Eftekhar Sadat, (1394h), Phonetic adaptation of vowels in loanwords of the Arabic language in Persian, the optimal approach, Linguistic essays, number 27, page 229 to page 258  
Nowruzi, Hammed, Ghorbani Jooybari, kolsoom, (1392h), Historical investigation of some common phonetic developments in South Khorasan Persian, Khorasan Social Cultural Studies Journal, number 27, page 141 to page 172

## دراسة التطورات الصوتية في المفردات العربية الدخيلة في اللغة البلوشية

طالب الدكتوراه مسعود پروين  
قسم دراسات الترجمة العربية. جامعة طهران  
أ.م.د. جواد اصغرى  
قسم اللغة العربية و آدابها. جامعة طهران  
أ.م.د. موسى محمودزهی  
قسم اللغة الفارسية و آدابها. جامعة ولايت

### الملخص

إن اللغات كالفوس البشرية بحاجة إلى التفاعل و لذلك تجد اللغات تقوم باستقراض الألفاظ من بعضها البعض في طريقها إلى الغناء الثقافي و الازدهار الحضاري على مر العصور و الأزمان. إن المناطق الجنوبية الإيرانية كانت على صلة حضارية و ثقافية وطيدة بالدول العربية من قديم الزمان و اللغة كانت و لاتزال من أهم الآليات في بناء هذا التواصل. إن اللغة البلوشية لكون متحدثيها مسلمين و مندمجين في الحضارة الإسلامية و لكون بيئتهم محصورة بين عدة دول مسلمة لها علاقة عضوية باللغة العربية و بالحضارة الإسلامية بطبيعة الحال. لذلك تجد مصطلحات كثيرة ذات أصول عربية فيما لدى البلوش من المخزون اللغوي إما مندرجة ضمن الأعمال الأدبية القديمة و الحديثة و إما متداولة عندهم في المحادثات اليومية والتي تم استقرضها إما مباشرة من اللغة العربية و إما بواسطة اللغة الفارسية كلغة وسيط . و لأن كل لغة لها نظامها الصوتي الخاص فمن الطبيعي أن هذه المفردات الدخيلة تتعرض لتطور صوتي في طريق التأقلم و الاندماج بين المصطلحات البلوشية و في اللغة البلوشية. تحاول هذه الدراسة اللغوية التاريخية بمنهج تحليلي و صفي ان تستخرج التطورات الصوتية في المفردات العربية على اساس أقسامها الرئيسية: "الإبدال" و "القلب" و "الحذف" و "الدرج" و الدراسة أولت الإبدال قسطا أكبر من الاهتمام. قد وصلت الدراسة إلى أن "الإبدال" في المفردات العربية الدخيلة في اللغة البلوشية له تنوع أكثر بالنسبة للمفردات الدخيلة في اللغة الفارسية و سنريكم أصنافا بديعة من الإبدال في اللغة البلوشية فلما يوجد لها نظير في باقي اللغات

**الكلمات المفتاحية :** علم اللغة، التطورات الصوتية، المفردات الدخيلة، اللغة العربية، اللغة البلوشية